

بخشی از میراث مشترک بشری

در زبان پارسی و همسایگان دور و نزدیکش

۱۶-۴-۱۳۹۰ (July/07/2011)

غلامعلی کشانی

keshanigh@gmail.com

www.adamekhoshoonat.blogspot.com

بشر بعنوان عنصری گروه-زیست، ناچار از بده-بستان است. این بده-بستانها همواره بوده و خواهند بود. اشاره به نمونه‌هایی از این ارتباطات در زمینه‌ی بنیادی‌ترین بر ساخت بشر یعنی زبان، اشاره به برتری یک قوم بر دیگری نخواهد بود، اما می‌تواند کمکی باشد به فهم و درک حرکت فرهنگ و فناوری از یک سو به سویی دیگر در روند عرضی - جغرافیا و طولی - تاریخ، در لحظه‌ای از زمان و از سویی به سویی دیگر در لحظه‌ای دیگر.

همه‌ی اقوام همسایه، از یکدیگر یاد می‌گیرند، چه در صلح و چه در جنگ. نکته این است که هنگام اقتباس یا رونویسی از دست یکدیگر، هر قومی تلاش می‌کند تا پدیده‌ی تازه‌ی فرهنگی-تمدنی را آن‌چنان دست‌کاری کند که ردی از اقتباس و کپی‌برداری و گرت‌برداری در آن باقی نگذارد. یعنی همه تلاش می‌کنند پدیده‌ی تازه را از آن خود - خود معرفی کنند و اثری از خالق اولیه‌ی آن پدیده باقی نگذارند. البته گاهی اوقات نیز، محدودیت‌های ساختاری زبان وام‌گیرنده است که برخی تغییرات در واژه‌ی اصلی را گریزناپذیر می‌کند. مثلاً یک ژاپنی نمی‌تواند علی را مثل ایرانیان تلفظ کند و بجای آن می‌گوید: "آری". می‌بینیم علی به کلمه‌ای بدل می‌شود که بازشناسی آن دشوار است. یا در عربی معمول است که براحتی، واژه‌ی بیگانه را بگیرند و حتی بعنوان ریشه، استفاده کنند، مثل مُبَسِّر، اسم مفعول برگرفته از تعبیر بستوریزه یا همان پاستوریزه‌ی انگلیسی.

همین تحولات زبانی، باعث شده است نزدیکی‌ها و تمایل اقوام به یکدیگر لاپوشانی شود، بطوری‌که کشف و درک آن‌ها بسیار مشکل گردد. تلاش در جهت "ردّ گم‌کنی" تاریخی از اقتباس‌ها و سرقت‌های فرهنگی‌ی اقوام از یکدیگر، در خدمت هویت‌سازی خودی-ناخودی قرار می‌گیرد و همین هویت‌های دست‌ساز هستند که بخوبی می‌توانند در هنگام نیاز به یاری مقاصد جنگ طلبانه‌ی حکومت‌ها بیابند. حکومت‌ها، هنگامی که از حل مشکلات خود ساخته یا ملت- دولت ساخته بر نمی‌آیند و امید خود را به بقا از دست رفته می‌بینند، بعنوان آخرین راه حلّ - تداوم بقاء، بر روی مفاهیم هویت و خودی-ناخودی مانور داده و جنگ‌ها را سازمان و سامان می‌دهند تا مفردی پیدا شود برای دست و پا بستگی کارکردی‌شان در حل مسائل واقعی مردم.

اما درک این نکته که بشر عضوی است از خانواده‌ی بزرگ که همواره در حال یادگیری از دیگر اعضا بوده و تنها کمیابی منابع "پر ارزش پر طرفدار" و تمایل انسان به لذت و آسایش بیشتر بوده که

انسان ها را بر علیه هم به کنش واداشته است، گامی است رو به جلو. در این مرحله همه می فهمیم همگی "سرو ته از یک کرباسیم!"

یکی از جالب ترین این بده-بستان ها، ارتباط یهودیان منطقه ی کنعان-فلسطین پیشین و منطقه ی فلسطین-اسرائیل کنونی با منطقه ی ورا رود در آسیای مرکزی است که دو رود سیحون و جیحون در آن جاری اند. این دو رود در بعضی نوشته ها به نام آمودریا و سیر دریا یاد شده اند و اکنون در ایران به سیحون و جیحون مشهورند. این که چرا این دو اسم مکان، در اسرائیل-فلسطین کنونی و کنعان پیشین هم مطرح اند، این که چرا بخارا مرکز یهودیان منطقه ی آسیای مرکزی بوده است و حتی در دوران معاصر نیز مرکزیت فتوایی خود را حفظ کرده است (یکی از دو یهودی بازمانده در شهر کابل، افتخار می کند که اجازه ی ذبح کاشر (کوشر) خود را از علمای بخارا گرفته است، (به نقل از مستند به نمایش درآمده در بی بی سی بنام "دسیسه در کابل")، همگی باید نشانه هایی از روابط میان-قومی این دو منطقه ی دور داشته باشند.

یکی دیگر از این ارتباطات جالب، میان دو واژه ی کوشر (عبری) و کوثر (عربی) است.

مورد دیگر رابطه ی میان واژه ی عربی "فئَة" با واژه ی انگلیسی FEW است.

یک نمونه ی جالب دیگر، رابطه میان مس (لمس کردن عربی)، مسح، مسیح، MASS و MASSAGE (مراسم عشاء ربانی) و ماساژ است.

در زیر فهرستی [ناقص] از واژگان مشترک فارسی (یا عربی یا ترکی فارسی شده) و بیگانه یا فارسی قدیم یا ترکی یا عربی بعنوان بخشی از بده-بستان های فرهنگی-تمدنی ایرانی جماعت با دیگران، آورده می شود.

واژگان قرمز رنگ از سایت ارج مند ویکی پدیا (با این آدرس:

http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_English_words_of_Persian_origin)

نقل، ترجمه و ویرایش شده اند. باقی واژگان یافته های نگارنده اند. یافتن چند واژه نیز به لطف دقت نظر بیض از دوستان بوده است که در این جا از همگی سپاس گزارم.

شهریور ۱۳۸۰، غلامعلی کشانی

برابر- واژه‌ی بیگانه یا پارسی قدیم و ترکی و... ... IC (ACADEMIC, CATHOLIC...)	پارسی، عربی و ترکی پارسی شده "یاء" نسبت (دانشگاه‌ی، زمین‌ی،...)، "ایک" نسبت در پارسی قدیم معادل یاء نسبت ...گی؟
... AGE	... (های تانیث) یوگوسلاویه، روسیه، ...
... A (AFRICA ...)	آبکار (شراب انداز)
ABKAR	آبکاری (شراب اندازی)
ABKARI	آبادانا (محوطه‌ی دور)
APADANA	آچار (ترکی: باز کننده)
ACHAR	آچار (نوعی ترشی هندی با نام پارسی)
AHUNG	آخوند (به چینی)
AKHUNDZADEH	آخوندزاده (امیرزاده)
ADAM	آدم
YAHOO	آدم بوگندو و زمخت (شاید برگرفته از ذکر در اویس یاهو گویی باشد که بطور معمول پشمینه پوش و ژولیده مو نیز بوده اند و به طور عام، تلقی تحقیرآمیز غربیان از در اویس ژولیده و پشمینه پوش شرقی و سپس هر آدم آنچنانی در میان خودشان)
ARKHANGELSK آرخانگلسک (شهری در مدار قطبی روسیه)	آرخ (نهر) (در آرخان گل سک روسیه ی قطبی) آرخ = نهر + گل = آبگیر، دریاچه
	آرسنیک (زرنيخ)
	آریا
AZADIRAKHTA	آزادی درخت (هندی)
AZURE	آزور
AZHA	آژا (آشیانه)
AS	آس (نوعی بازی کارتی ایرانی)
AZHA	آشیانه
AMEN	آمین (به عربی: چنین باد)
ADVICE, ADVISE, AVISE اَویز، اَویزه (ایتالیایی، به معنی هشدار و توصیه و نصیحت و	اویزه (پند و هشدار را اویزه ی گوش کردن)

	(انذار)	
AHU		آهو
Abbe (French priest) پدر روحانی در فرانسه		آب، آبو، آبی، بابا، آبا (در اتیوپی)
ABCD, KLMN		ابجد، کلمن
AVRAM, ABRAHAM		ابراهیم
		ابراهیم، بایرام (ترکی)، بهرام، وهرام، برهمن، برهما
ABRAHAM, AVRAHAM, EPHRAEEM آبراهام، آوراهاام، افراییم		ابراهیم، بایرام (ترکی)، بهرام، وهرام، پرهام، برهمن، برهما، براهیم، براهم (مغرب عربی)
EYEBROW		ابرو (-ی چشم)
BOY		ابو (ابن، پسر، پدر)
SAHIB		ارباب، صاحب
ROSLAN (RUSSIAN)		ارسلان، اسقلان، اصقلان
ARSENIC		ارسنیک، زرنیک
EARTH		ارض
۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱		ارقام ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ (۱ و ۹ عیناً، ۲ و ۳ و ۴ و ۷ با ۹۰ درجه چرخش ساعت وار، ۵ با کم کردن امتداد کمانی چپ، و ۶ با کم کردن دسته ی مورب آن به لاتین تبدیل می شوند.)
ARC, ARCH, ARCHI آرک، آرکی، آرشی		ارگ (طاق قوسی)، (ایوان حکومتی، مقر حکومتی)
ARMENIA		ارمنستان
JORDAN, JERUSALEM, UOOR ? آردن، اُرشلیم، اوور (تمدن عراقی)		أرومیه (اور = شهر + میه = آب: شهر کنار آب)
BONDAGE, BOND, BAND		اسارت، بردگی، بندگی
ISPAGHOL		اسپاقول (گوش اسب، گیاهی برای مصرف در نوشیدنی ها)
SPAHI		اسپاهی، سپاهی
SPINACH		اسپناج، اسفناج
ABSINTHE		اسپند
SAPINDALES		اسپند
ABSINTHE		اسپند؟

IS, ASTIKA (انگلیسی)، آستیکا (سانسکریت)	است، هست
STAN	استان، جا، مکان، سرزمین، کشور
STANDARD	استاندارد، استانده
OSTEO (PREFIX)	استخوان
BONE	استخوان، بن
ISSAC (عبری) آیزاک، ایساک، اسحاق	اسحاق
HISTORY, STORY	اسطوره (تاریخ، قصه)
SPINACH	اسفناج
SPONGE	اسفنج
ESHKALON (عبری، شهری در اسرائیل فعلی)	اسقلان، اسقلان، (ارسلان؟ ترکی) (روسلان؟ روسی)
SKELETON	اسکلت
ALEXANDRE, ALEXANDER, ALEX, ALEXI, ALEJANDRO, ALEKHANDRO الکساندر، الکس، الکسی (روسی)	اسکندر
SKELETON	اسکلت
SLAVE, SLAV	اسلاو، برده
SAMUEL, SHEMOOIL	اسماعیل
AFRIT	افریت، عفریت
KOTWAL	افسر ارشد پلیس
THANADAR	افسر ارشد کلانتری
SHERRIF	افسر کلانتری
AFGHANISTAN	افغانستان
OPIUM	افیون، تریاک
CLIMATE, ACCLIMATE	اقلیم
ELEXIR (شربت دارویی انگلیسی)	اکسیر، الاکسیر، عصاره
METROPOLIS	ام القراء، مادرشهر، مادر شهرها، شهر اصلی، شهر مهم
AMANI	امانی (وثیقه)
AMIR, EMIR	امیر
PESHWA	امیر، پیشوا

AKHUNDZADA	امیرزاده
ANGEL, EVANGELIST, ANGLETERRE, ANGLAIS, ANGELICAN, ANGEL, ENGLAND انجل، اوانجلیست، انگلتره، انگلیس، آنجل، انگلند	انجیل، انجیلی، انگلیس
INTER (فرانسوی) اینتر	اندر
DASTURI	انعام
ENAMDAR	انعام‌دار (رتبه‌ی کسی که از شاه دست خوش گرفته باشد)
ANGARIA (ANGEL)	انگاریا (فرشته) (انجیل، انگلیس)
ANGEL, EVANGELIST, ENGELTERE, ANGELICAN, ANGEL, ENGLAND انجل، اوانجلیست، انگلتره، انگلیس، آنجل، انگلند	انگلیس، نک: انجیل
EAU (فرانسه) او	او (آب در لری و غالب گویش‌های زاگرسی)
LOUT	اوباش، لات
AVESTA	اوستا
AVESTAN	اوستایی، کتابهای مقدس زردشتی
UKRAINE	اوکراین، یوکرین (در زبان روسی یو: سرزمین + کراین: کرانه، مرز + سرزمین کرانه‌ای، سرزمین مرزی)
ANGRA MAINYU	اهریمن (گونه‌ی قدیمی واژه‌ی-)
AHRIMAN	اهریمن، شر (در آیین زردشت)
AHURAMAZDA	اهورامزدا
STAND	ایستادن
IMMUNITY	ایمنی و مصونیت (بهداشتی)
IGLOO (خانه‌ی اسکیمو)	ایو (ترکی: خانه)
BY	با، از طریق، از سوی
PAPA	بابا
BABA (چینی‌ی ماندارین)	بابا (فارسی و عربی عامیانه)
PAPA	بابا، ابو (ابن)، بویه، بوئه و بوآ (در گویش لری)، بابک، پاپکان
BABUL	بابل (درخت افاقیا)

PAPOOSH, BABOUCHE	بابوش، پاپوش
BEDEGUAR	بادآورد
AUBERGINE	بادنجان
BRINJAL	بادنجان
UBERJIN	بادنجان
BADIAN	بادیان رومی (انیسون)
BOROUGH بورو، پولیت بورو، بورو (حاکم نشین در انگلیسی)	بارو، ستاد، هیئت اداره کننده
BAZAR	بازار
BAZAAR	بازار (بهازار)
BAZIGAR	بازیگر (کولی چادر نشین هندی که کارش بازیگری است)
BALCONY	بالاخانه (بالکن)
BALAGHAT	بالاگت (بالا+گت) (گذرگاه و زمین تخت بالای کوه)
BALDACHIN	بالداچین (پارچه ی نفیس بغدادی)
BALCONY	بالکن، بالکون، بالاخانه
BAN	بان (در زبان صرب و کروات و پارسی: شازده، خان، رئیس، امیر، فرماندار)،
BANG	بانگ، بنگ
BABACHI	باوارچی، بابرچی (آشپز مرد)
PAGODA	بتکده (پاگودا، برگرفته از پاگوده ی پرتغالی، برگرفته از بتکده ی فارسی)، معبد چند طبقه ی معمولاً مخروطی و هرمی در آسیای جنوبی و شرق دور
ALBEIT	البته، اگرچه، هرچند، ولو اینکه
BAKHTIAR	بختیار، خوش بخت، اهل بختیاری
BUCKSHEE	بخشش
BAKSHISH, BAKHSHISH, BUKSHI	بخشش، دهش

BAKSHEESH	بخشش، صله
BAKSHI	بخشنده، بخشی
BUKSHI	بخشی، دهنده، افسر عامل
BAD	بد
BUDMASH	بدمعاش، آدم بی ارزش، شخصیت بد
BODY	بدن
DEBT	بدهی
BROTHER, FRATERNITY, ABRAHAM	برادر، برادری براهم، براهیم، پرهام، بهرام، وهرام، ابراهیم، براهیم (مغربی)، ابراهیم
BORG, BORGOSY, BOROUGH بورگ، سن پترزبورگ، ماربورگ، بورژوا، بورژوازی، بورو ...	برج (کنایه از شهر)، بارو
BONDAGE, BOND, BAND	بردگی، بندگی، اسارت
BAR SOM	برسم، برسام، ترکه ی موبدان
BURKUNDAZ	برق انداز (نگهبان مسلح)
BURGHA, BURKA	برقع
BRAZE	برنج (معرب برنز)
BRONZE	برنز (به عربی: برنج)
BIRYANI بیریانی	بریانی (کباب شده)
BUZKASHI	بزکشی (ورزش سنتی افغان)
BEIGE	بژ، قهوه‌ای مایل به زرد خاکستری، کامبیز (پارچه ظریف جامه ی عید شاه)
BAS	بس
BAND	بستن با بند
ALBIGENSIANS (ALBIGA: شهر و منطقه‌ی ملحدان), ALBIGEN ?	البغانیون (بغی)، البیگائین (شورشیان)
BAGHDAD	بغداد (خداداد)
BEGAR	بگار، بیکار
BEGARI	بگاری

BULBUL	بلبل، سراینده ی آواز های زیبا
BELLUM	بلم
BALUCHI	بلوچ، بلوچی
BOMBAST	بمبست، پنبه یا مواد گیاهی برای لایه لباس
BENAMI	بنام
BANDAGE	بند زخم، نوار پارچه ی زخم بندی
BAND	بند، بند و بست
BOND	بند، بندی، دربند (اسیر: طلسم شده)
BAND	بند، ریسمان، تسمه، نوار
BAND	بند، زنجیر، روبان
BUND	بند، سد کنترل آب
BANDAR	بندر
BONDAGE, BOND, BAND	بندگی، اسارت، بردگی
HASHISH, BANG, GRASS, CANNABIS, MARIJUANA	بنگ، علف، حشیش،
ODOUR, ODOR	بو، عطر
BE	بودن، بی (در گویش های پهلوی یا فهلوی و زاگرسی جاری)
BORAX	بوراکس، سدیم بورات،
BURAX	بوره، بور، بوراکس
BOSTANJI	بوستانچی (شهردار کاخ شاهی)
BETTER	بهتر
ABRAHAM, AVRAHAM, EPHRAEEM, BAIRAM	بهرام، پرهام، وهرام، ابراهیم، بایرام (ترکی)، بیرام (ترکی)، برهمن، برهما
BHEESTY	بهشتی، سقا
PEPER	بی بر (لفل در گویش روستاهای توسرکان و کردستان)
BIBI	بی بی
BABY	بی بی (محبوب)
BEGAR	بی کار، بیگاری دهنده
BEGGAR	بیکار، فقیر، نیازمند، گدا
BEGARI	بی کاری، بیگاری

BIG	بیگ (با یاء ساکن)، بَگ (به ترکی: بزرگ قوم)، بیوک (به ترکی: بزرگ)
BILDAR	بیلدار، حفار، عمله
PAW	پا، پنجه، چنگال
PAPA	پاپا (بابا)
BABOUCHE	پاپوش (صندل بی پاشنه ی شرقی)
PAPOOSH	پاپوش، بابوش فرانسوی
BEZOAR	پادزهر
PADISHAH	پادشاه
PERSIA	پارس
PERSIS	پارس (قدیم)
PERSEPOLIS	پارس شهر، پرسپولیس
فارسی	پارسی
PARSEE	پارسی (بویره زردشتی مقیم هند)
PART	پاره
PARASANG (MILESTONE)	پاره سنگ، فرسنگ، فرسخ (پاره سنگ نشانه ی مسافت شماری در طول مسیر)، سنگ فاصله شمار
PART	پاره، بخشی از یک کل
PARA	پاره، پارا، بخشی از یک کل، واحد فرعی پیشین پول ترکیه (عثمانی)
PASAR	پاسار (بازار (سرپوشیده)؟، گذر- دالان، پاساژ؟)
PASHA	پاشا، پادشاه
PAKISTAN	پاکستان (پاک + استان = سرزمین پاکان)
Pie	پای (به ترکی: سهم، حصه، بخش، پاره ای از یک مجموعه ی بزرگتر؛ مثلا در ات پای: بمعنی سهم گوشت کوبیده ی آبگوشت برای هر نفر دور سفره)، پا کلوچه ای که برای جمع پخته و بصورت مساوی تقسیم می شود، پای چارت

	(سهم در اصطلاح مزرعه داری: یک پار عیتی)
FINISH, FINITE, FIN (ایتالیایی)	فینیش، فاینایت، فین (ایتالیایی)
FIN (ITALIAN), FINISH, FINITE	فینا، فاین
PYJAMA	پای جامه، پیجامه، پیژامه
PETROUS	پتروس، پدرو، پدر
ALBATRAS (PETROS), ALPETROS	پدر
FATHER	پدر
پی‌یر، پیتر، پتر، پتر، پوتر، پی‌ی‌ترو، پدرو، پدروس، پتروس، فاندروس، پاندروس، پاتریس، بناتریس، پادرو، پادری (کشیش)، فادر، پاتریارک، پاتریمونی، پاتریک، پاتریس، بطریق، پتر، پی‌یر	
	دَد (ترکی)
PADRE	پدر روحانی، قاضی عسکر
FATHER (PETER, ...)	پدر، پدر روحانی
BOUTROS	پدر، پتروس، پیتر
DADDY	پدر، دَد (ترکی)
PURDAH	پرده، پُرده (سنت حفظ زن در پشت پرده ی حریم خانه)
CHICK	پرده ی حصیری دم در خانه یا اطاق در هند (از چیق فارسی- ترکی)
PARADISE	پردیس، فردوس
PERSEPOLIS	پرسپولیس
PERCALE, PERCALINE	پرگاله (پارچه ی نفیس پنبه ای با پرداخت های نهایی متنوع، پارچه صحافی)
PARGANA	پرگانه (شهرستان در هند، مجموعه شهرهای شهرستان)
PURWANNAH	پروانه، جواز
ABRAHAM	پرهام، بهرام
PERI	پری
FAIRY	پری، پریانة، پری وار
PISTACHIO	پسته
PASHTO	پشتو (زبان ایرانی پتان ها)
PERSIAN LAMB	پشم قره گل، آستراخان

PASHM	پشم، کرک زیر موی بز کشمیری
PASHMINA	پشمینه، کرک زیر موی بز کشمیری
PLAU, PILAF, PILAW (هندی)	پلو، پلاو
BOMBAST	پنبه (پمپا)
PANJ (در کولی های رومانی) , PENTA PANJE (در سانسکریت)	پنج
PUNJAB	پنجاب، پنج‌آب
PAW	پنجه، پا
PANEER	پنیر
POSTEEN	پوستین
PAHLAVI	پهلوی (زبان دوران ساسانی در پارس)
PIR	پیر، مرشد (در گروه های عرفانی)، مربی دینی
PERIMETER	پیرامون
PYJAMA	پیژامه، پیژاما، پای جامه
PESO, PESOTA, PESETA (واحد پول اکثر کشورهای اسپانیایی زبان)	پیسه (جزئی از روپیه ی پاکستانی)
PESHTA	پیشوا، امیر، نخست وزیر
PYKE	پیک
PAGING, PAGE پیج، (بچه شاگرد هتل، امر بر، خبر رسان)، پیجینگ (سیستم خبر رسانی و اعلام کننده)، شماره صفحه	پیک (خبر رسان)
TO	تا، بمنظور، بخاطر، تا آن نقطه، تا آن هدف، برای رسیدن به فلان هدف
COFFIN (انگلیسی)	تابوت، کفن
TAJ MAHAL	تاج محل
TAJ	تاج، کلاه
TAJIKISTAN	تاجیکستان

TAR	تار، عود شرقی
GUITAR	تار، گیتار
TIARA	تاره (تاج الهه)
TASS	تاس (کاسه آب خوردن)
TAFFETA	تافته
TAPESTRY	تافته، تپستری
TOQUE	تاقه (واحد پارچه و شال و چادر)
TAKY (لهستانی)	تاک، تاکستان، تاکی (وابسته به تاک)، شراب
APADANA	تالار بزرگ
TALC	تالک، تلق، طلق (ماده ی معدنی پودر تالک)
TABASHEER	تابشیر (گره خیزران بعنوان دارو)
TEBBAD	تعباد
AUMILDAR	تحصیلدار
TAHSILDAR	تحصیلدار (وصول کننده ی درآمد)
TARAZET	ترازو (شاهین -)
TRAFFIC	ترافق (عبور بدون تراحم از کنار هم)، ترافیک
	ترافیک (مقررات و تمهیدات رفتامد بی خطر کشتی ها از کنار هم در تنگه ها)
TRANKY	ترانکی (قایق بی عرشه ی خلیج فارسی)
ACHAR	ترشی هندی (نوعی -)
TURKU	ترکو (نام بندری فنلاندی، در زبان اورال آلتاییک فنلاندی که همراه با مجاری، هر دو ریشه ی ترکی دارند)
OPIUM	تریاک (افیون)
TARRIF	تعرفه ، حق (یا عوارض) شناسایی
	تاریف (کارمزد کشتی ها برای هدایت سالم از تنگه ی جبل الطارق در دوران برتری عرب ها در اسپانیا)، نام شهری در

	همان تنگه در خاک اسپانیا	
LASQUE		تکه سنگ شبه الماس
TEL AVIV (عبری)		تل حبيب؟
ESTRAGON		تلخون
TALC		تلخ، طلق، پودر تالک
TEMACHA		تماشا (نمایش خنده دار بازیگران سیار)
TABOR		تمبور، تنبور
TAMARIND		تمر هندي
TUMBA, TEMPO, DRUM	تومبا (آفریقای)، تمپو، درام	تنبک، تمبک، دمبک (ضرب)
TANBURE, TAMBORE		تنبور، (تومبا؟)
TAMBOUR		تنبور، تمبور
TAMBOURINE		تنبور، تمبور
TANBUR		تنبور، تمبور
THUNDER		تندر
TANDOORI		تندوری، تنوری
	بغاز (ترکی)	تنگه
TANGI		تنگی (دره ی باریک)، گلوگاه تنگ
TANDOORI		تنوری (غذای -)
THOU (انگلیسی)		تو (دوم شخص مفرد)
TURAN		توران (سرزمین ترکان)
TURANOSE		تورانوز (حاصل هیدرولیز جزئی "مله زیتوز": ۳- گلوکوزیل فروکتوز)
TURANIAN		تورانیان
TURANITE		تورانیت (نمک بازی و انادات مس)
TORIUM		توری (در چراغ توری)

TYPHOON	توفان، طوفان
THOMAS, TOM, تامیس، توماس، تام، تومازو (در تداول ایتالیایی)	تهماسب، تاماس (در تداول ترکان همدان)
PARTHIAN SHOT	تیر پارتی (کنایه از نگاه یا سخنی تند و دشمنانه در هنگام عزیمت و وداع : تشبیه به تیراندازی سواران پارتی که هنگام دور شدن به عقب برگشته و تیر های کشنده و دقیق رها می کردند).
TREHALA	تیغال (شکرک کوهی یا شکرک پیله ی نوعی سوسک)
TIMAR	تیمار
JAGIR	جاگیر (حکم امارت و خراج در شمال هند)
JAMA	جامه (کت آستین بلند مردانه تا زانو)
ALGEBRA	جبر (ریاضی)
JIBRALTAR	جبل الطارق (تنگه -)
...JERD, ...GERD, ...GRAD لنینگراد، استالینگراد، نووگراد، بلگراد	جرد، معرب گرد (نک. گرد): بروجرد، هشتگرد، دارابگرد، ...
JEZAIL	جزاییل (تفنگ بلند افغان)
YUFT	جفت (یوفت، یوخت)
JEMADAR	جماعت دار ، جمادار (ستوان، مقام پلیس)
GENIE	جنّ
GENII	جنّ ها، اجنه
JUNGLE	جنگل
YOUNG (در زبان های اروپای شمالی)	جنگه (گاو نر جوان زیر یوغ نرفته در گویش های زاگرسی و البرزی)، ینگه (نو، تازه، ینگه دنیا یا همان دنیای جوان (آمریکا) در تداول تهرانی متاخر)
JEWELRY	جوهری، جواهر
JIHAD	جهاد
GEHINNOM (HEBREW)	جهنم (دره ای در جنوب کوه صیهون در بیت المقدس که محل سوزاندن زباله و مردگان و بعدتر محل قربانگاه بنی اسرائیل بوده است)
GIHON AND SIHON	جیهون یا گیهون (یکی از ۴ رود بهشت عدن، احتمالاً کنالی که دجله و فرات را هم وصل می کرده، چشمه ای

	در دره ی قدرون واقع در جنوب شرقی تپه ی معبد اورشلیم (قدس) در کنار کوه صیهون یا صهیون یا صهیون، یکی از دو رودخانه‌ی بزرگ ناحیه‌ی وراود (ماوراء النهر) آسیای مرکزی در کنار رود سیحون
CHAWBUCK	چابک (تازیانه ی بزرگ)
CHADOR	چادر
CHARPOY	چارپایه (تخت نواری یا طنابی)
CHAKDAR	چاکدر، چاکر، مباشر ارباب
شاکر (عربی)	چاکر؟
CHAKAR	چاکر، کارگر دفتری
CHALLENGE	چالش
CHIN (انگلیسی)	چانه، چونه
CHAPPOW	چیو، چپاول
CHARKA	چرخه، چرخ
DAFTAR	چرم پرداخته
CHECK	چک
CHEQUE	چک
صلیب (عربی)	چلیپا؟
CHINAR	چنار
CHOB DAR	چوبدار
SHEPHERD (انگلیسی) شپرد CHOU BAN (ترکی استانبولی) چوبان	چوپان، شبان؟
CHA HAR (در کولی های رومانی)	چهار
CHARPOY	چهارپایه (نوعی تخت با نشیمن نواری یا طنابی)
CHICK	چیق (پرده ی حصیری دم در)
CHEYNEY	چینی (پارچه ی پشمی)

CHINA	چینی (ظروف-)
HAZARD (خطر، احتمال خطر)	حذر کردن، الحذر
HAREM	حرم، مکان ممنوعه، زنان و کودکان خانواده، آنچه که در خانواده باید حفظ شود، حرمسرا
HAREM	حرمسرا
ASSASSIN	حشاشین (پیروان حسن صباح، که متهم به ترور بودند)، هراس افکن
ASSASSINS (هراس افکنی، ترور)	حشاشین (پیروان حسن صباح، متهم به ترور)، هراس افکنان
HASHISH, BANG, GRASS, CANNABIS, MARIJUANA	حشیش، بنگ، علف
BILDAR	حفار
HYLEG	حلاج
HALALCOR	حلال خور (آدم همه چیز خوار و بدون محدودیت به حلال و حرام خوراکی‌ها)
HALALCOR	حلال خور (آدم همه چیز خوار)
HANA	حنا (نامی در زبان اورال- آلتائیک (همخانواده ی ترکی) فنلاندی برای دختر)
EVE	حوّا
HAVILDAR	حواله دار (گروهبان ارتش هند در امور اجرائی)
KHAKSAR	خاکسار (عضو جنبش شبه نظامی ملی گرای مسلمان)، فروتن (در بیان درویشان)
KHAKI	خاکی، به رنگ خاک، از جنس خاک
KHAN	خان (استراحتگاه، کاروانسرا)
KHAN, KHAGHAN	خان، قآن
KHANKAH	خانقاه
BARBICAN	خانه؟
CAVIAR	خاویار
HOTAIN (چینی)	ختن (ترکستان چین)
GHODS گاد، گادز	خدا (روح القدس، قدس؟)

KHIDMATGAR	خدمتکار (نوکر)
CALABASH	خریزه
PERSIMMON	خرمالو
KHUSKHUS	خس خس (علفی خوشبو)
XEREXES	خشایارشان، خشایار شاه (مرد شاهان)
BONE DRY	خشك خشك (خشك تا بن و ریشه)
GREGORY	خضر (حضرت -)
GEORGE	خضر (حضرت -)
جرج، جرجیا، گنورگ، گنورگیس، گیورگیس، گنورگیو، گیورگی، گرگ، جرجی، جورجیو، جرجیس	
CAFTAN	خفتان (ردای بلند گشاد کمربند دار در خاور نزدیک)
KAFTAN	خفتان (ردای بلند گشاد کمربند دار در خاور نزدیک)
CELLAR (سرداب شراب اندازی در انگلیسی)	خَلار (روستای شراب سازان یهودی در حومه ی شیراز)، شراب خَلار
GALINGALE	خلنجان (نام گیاه)
KHALIF, KHALIPH, KALIF, CALIPH	خلیفه
KHOJA	خواجه (خطاب احترام آمیز)
ALGORITHM	الخوارزمی، خوارزمی، الگوریتیم
GIZZARD	خوراک دل و جگر مرغ
BAKHTIAR	خوشبخت، بختیار، اهل بختیاری
BANANA	خوشه (به عربی؟)، موز
CUSHY	خوشی
GOODS	خیر (عربی: خوب، خوبی، مال و منال و کالا)
گود (خوب، خیر)، گودز (کالا، امتعه، بار)	
THE	دِ (پیش از اسامی در فارسی دری)
DADDY, DAD	دادا (اصفاهانی)، دَد، دده (ترکی)
DAROGA	داروغه
STORY	داستان، اسطوره، افسانه

DANIEL, DANIAL	دانیال
DAVID,	داوود
DUBBER	دبّه (مشک بزرگ مایعات)
TIGER	دجله
TIGRIS	دجله، تیر، پیکان، نوک تیز
DAUGHTER	دختر
DAKHMA	دخمه (محل کفن و دفن مردگان زردشتی و به مرغان سپردن آنان)
DADDY, DAD	دَدَ (پدر به ترکی)، دادا (اصفاهانی)
DADDY, DAD	دده (پدر ترکی)، دادا (اصفاهانی)
DOOR	در
قاپاق، قالیپاق (ترکی)	در پوش، کلاهک
DURBAR	دربار (حاضرین در حضور شاه)
DURWAN	دربان
AZADIRACHTA	درخت آزاد
AZEDARACH	درخت آزاد
DARZI	درزی (دوزنده)
DRACHMA (واحد پول یونان)	درم
DRAKHMA	درم
DRAGOMAN (آلمانی)	دروغ گو، مترجم، ترجمان، ترجمه
DERVISH	درویش
DARVESH	درویش
DRAKHMA	درهم
CARA SEA, KARA SEA	دریای سیاه، قارا سی (در مدار قطبی شمالی)
DUSTUCK	دستک (دسته، دستگیره)
BANDANNA	دستمال گردن، بند گردن
DASTUR	دستور (روحانی عالی پارسی)

DASTURI	دستور (عوارض گمرکي)، پاداش
BAR SOM	دسته ترکه ی مقدس موبدان، برسم
DOSHMAN (در کولی های رومانی)	دشمن
DAFTARDAR	دفتردار (مسئول امور مالی)
DUFTERY	دُفتري (پسر بچه ی پادوی ادارات)
DUFTERY	دفتري (کارمند جزء دفتري)
DAFADAR	دفعه دار، وقتنگهدار
DEL	دل
GIGERIUM	دل و جگر مرغ
TURBAN	دُلبند، دستار
DUMBA	دمبه، دنبه (دم پهن و بزرگ، گوسپند بخارایی و قرقیزی با دم پهن و بزرگ دنبه ای که پوست گران بهای آستراخان یا قره گل را از آن بدست می آورند.)
DUMBA	دنبه، دمبه (دم پهن و بزرگ، گوسپند بخارایی و قرقیزی با دم پهن و بزرگ دنبه ای که پوست گران بهای آستراخان یا قره گل را از آن بدست می آورند.)
DENTIST	دندان
DOU توو (انگلیسی)، دو (فرانسه)، دو (کولی های رومانی)	دو
DOAB	دو آب (سرزمین کنار دو شاخه ی رود)
DOZEN	دوجین
DOWRY (جهیزیه ی هندی و انگلیسی)	دوری (سینی بزرگ غالباً برای مراسم جمعی و حمل جهیزیه عروسی، خونچه یا خوانچه)
DOGANA	دوگانا، دوان (دفتر حساب ها، گمرک خانه در ایتالیا) (احتمالاً برگرفته از حسابداری دوگانه یا همان حسابداری دوبل)
TEN	ده

DEHWAR	دهور (کارگر یا برده)
DINAR	دینار
DAEVA, DIV, DEVA (سانسکریت)	دیو
DIVAN	دیوان (جای انجمن و گردهمایی)
DEWAN	دیوان (دفتر حساب ها)
DOUANE	دیوان (گمرک خانه)
RIGHT	راست
NUN	راهبه، زن تارک دنیا (ننه، مادر روحانی، خواهر روحانی)
ROC	رخ (پرنده ای افسانه ای)
ROOK	رخ (مهره شطرنج)
ROXANNE	رخشان، درخشان، تابان، روشن
DASTUR	رسم، رسومات، عوارض، گمرک
LITRE, LITER	رطل (سطل) (لیتر)
GOES (اس سوم شخص در انگلیسی)	رفته س (در تداول اصفهانی برای سوم شخص)
ROXANA	رکسانا
RANK	رنگ (رنگ سلسله مراتب ارتش ساسانی)، رتبه، مرتبه
GEISHA	روسپی، روسپید؟
گیشاهای ژاپنی (با آرایشی بشدت سپید رنگ و اغراق شده)؟	
REAL	ریال
REAL	ریال (لیر، لیره، لیور : معکوس ریال؟)
ریال (عربی)، رئال (اسپانول: واقعی، جنس اصل، سکه ی اصل و غیر تقلبی)، (انگلیسی: واقعی)	
SETWALL	زادور
ZEDOARY	زادور (داروی محرک هندی)
JUJUBE	زایزافون (درختی آسیایی با میوه ای شبیه خرما)
ELSPETH	الزبیت، السبت (سبت: شنبه در آیین یهود)، زبیده، الزبیده، الیزابت، الیسابات، الیزبت، الیزابت، لیز، لیزا،

	الیزه،
ELIZABETH	زبیده، الزبیده، الیصابات، الیزابت، لیزبت، لیزابت، لیز، لیزا، الیزه، الزيت، السبت (سبت: شنبه در آیین یهود)
JIRRAFFE	زرافه
SARD	زرد
ZARATHUSHTRA	زردشت
ZOROASTER	زردشت
ZOROASTRIANISM	زردشتی گری
ZIRCONIOUM	زرگون (عنصر شیمیایی فلزی)
ZIRCON	زرگون، به رنگ طلا، زیرکونیوم
ARSENIC	زرنیخ (ارسنیک)
SAFRON	زعفران
ZAKARIA	زکریا، زاخاری، ساخاری، ساخاروف (روسی)
ZEMINDAR	زمیندار
BHUMIDAR	زمیندار تمام عیار
ZAMINDARI	زمینداری
ZENA	زن (نام برگرفته از واژه ی زن)
ZENANA	زنانه (اندرونی خانه)
ZUMBOORUK	زنبورک، زنبوره (توپخانه سوار)، سواره نظام شتری
GINGER	زنجفیل، زنجبیل
CINNABAR	زنجفرح
ZERDA	زیرداو (نوعی روباه در شمال آفریقا)
ZIRCONATE	زیرکونات، نمک زیرکونیم
ZIRCONIA	زیرکونیا (زرگون)
ZIRCONIUM	زیرکونیوم

CHALAZA	ژاله (تگرگ)
SAFFIAN	ساختین (چرم سخت کاری شده به رنگ روشن از پوست بز و گوسفند)
SARWAN	ساربان
SHAMIANA	سایبان پارچه ای
SUBAHDAR	سبادار (افسر میان رتبه)
ALSEPTH	السبت
SABZI	سبزی، سبزی خوردن
SEPOY	سپاهی
SIPAHIS	سپاهی
SPAHI	سپاهی، اسپاهی
SPHERE	سپهر، کره، زمین
SITAR	ستار
STAR, ASTRID, STRAUSS KAHN	ستاره، استرا (آستراخان)، آستارا، استر، استرآباد (گرگان)
STAN	ستان (پسوند قلمرو)، استان
CEDDAR	سدر
BANDEAU	سر بند، پیشانی بند، هدبند
SEERPAW	سر تا پا
SERAI	سرا، سرای، خانه
SERENDIPITY	سراندیبی (از داستان پریانہ ی سه شازده ی سراندیبی)، مربوط به سراندیب یا سری لانکای امروزی
SARANGOUSTY	سرانگشتی (رنگ یا حنای خضاب سرانگشت)، گچ ضدآب
LAMASERY	سرای بزرگ

SERAGLIO	سررای، قهوه خانه
SOORKI	سرخى
SERDAB	سرداب، زیرزمین خانه
MORGUE	سردخانه ی مردگان در بیمارستان، مرده خانه، سرداب مرگ خانه
SHERRISTAR	سررشته دار (کارمند ثابت)
SIRCAR	سرکار (خطاب احترام آمیز، مقام عالی، استان یا ناحیه در دوران مغولی هند)
SURMA	سرمه
SURNAY	سرنا
SAROD	سرود
SERANG	سرهنگ
SOGDIAN	سغدی
SAFARI	سفر، سفر اکتشافی
SCARLET	سقلات (پارچه ای قرمز، سرخ متمایل به زرد)
SUCLAT	سقلات (پارچه ی نفیس پشمی)
SHALOOM	سلام (عبری)
SELEUCIDES	سلوکی ها، سلوکیان، (سلجوقی؟)
SHALAMOON	سلیمان
SAMOSA	سمبوسه
SIMMOM	سموم، باد سام
ZANZA	سنج
سجیل	سنج جل، سنگ گل
INDUS	سند (رود سند)
سجیل (عربی در قرآن)	سنگ گل، سنج جیل
SOWAR	سوارکار، اسبار، اسپوار، گماشته ی سوار

SOFTA	سوخته ، برافروخته (از عشق به معرفت)
SOORKI	سورکی، سرخ، درخشان
SURNAY	سورنا، سورنای، سرنا
SUSSAN, SUSAN, SUE	سوسن
SAOSHYANT	سوشیانت، منجی هزاره ای زردشتی
SONA	سونا (نامی ترکی و فنلاندی برای دختر)
SE (در کولی های رومانی)	سه
SEBESTAN	سه پستان، سگپستان
SITAR, GUITAR	سه تار، سیتار (هندی)، زیتر (آلمانی)، گیتار
KAFFIR, KAHER	سیاه برزنگی
SYAGUSH	سیاه گوش (گربه وحشی-)
SITAR, GUITAR	سیتار (هندی)، سه تار، زیتر (آلمانی)، گیتار
SIHON	سیحون (یکی از دو رود بزرگ فرارود یا ماوراء النهر)، سیحون، صیحون، صهیون (نام تپه ای در اورشلیم یا همان بیت المقدس) و یکی از ۴ رود بهشت عدن (به بیان آیین یهود)
SEER	سیر (واحد فرعی وزن)
SIGARETTE, SIGAR	سیگار
SIMURGH	سیمرغ
SHAWL	شال
SHALKESHMIRI	شال- کشمیری
SHAMIANA	شامیانه (سایبان پارچه ای)
SHAH	شاه
CHECKMATE	شاه مات
CHECKMATE	شاه مات (در شطرنج)
SHABANDAR	شاهبندر
SHAHZADA	شاهزاده

SHAHZADAH	شاهزاده
SHAHI	شاهی (یک بیستم قران یا کران، واحد پول ایران در دوران قاجار)
SHAHIN	شاهین، شاهین ترازو
CHUBAN, SHEPHERD	شبان (ر. ک. چوپان)
شراب (عربی)	شراب (فارسی)
ABKAR	شراب ساز
ABKARI	شراب سازی
SORBET (French)	شربت
SYRUP	شربت، شراب
SHAME	شرم
SHERRIF (پلیس آمریکایی)	شریف، ستوان کلانتری، کلانتری، پلیس
SIX	شش، شیش
CHESS	شطرنج
JACKAL	شغال
SHIKAR	شکار
SHIKARGAH	شکارگاه
SHIKARA	شکاره (قوش شکاری)
SHIKARI	شکاری
SUKAR (SPANISH), SUGAR	شکر
SHIKASTA	شکسته
SHERRYVALLIES	شلوار
SCIMITAR	شمشیر
SHAMOUNE	شمعون (عبری)
SATRAP	شهربان، ساتراپ (برگرفته از ساتراپان)
SATRAP	شهربان، فرماندار

SHAHEED, SHAHID	شهید (گواه)
SHAHIDI	شهیدی (مربوط به گواه)
CETERAKH, SHITARAKH	شیتاراک (نوعی سرخس)
SHERRY	شیراز (جیرز در دوران رستمی‌های اسپانیا)؟
SHIRAZ	شیراز (شراب قرمز نامدار جهانی، گلیم قشقایی، تنباکوی برازجان هر سه بنام شیراز شهرت دارند)
SEERSUCKER	شیرو شکر، به رنگ شیر و شکر (سفید مایل به زرد)، پارچه‌ی راه راه شیر و شکری
SHISH KEBAB (چین و آسیای میانه و انگلیسی)	شیشلیک، شیشلیق (ترکی: مربوط به شیش یا گوسفند)، شیش کباب
SATAN	شیطان
SOAP	صابون
SAHIB	صاحب
SAHIB	صاحب، ارباب
SAHARA	صحرا
JAR	صدای گوشخراش، جار
CIPHER, CYPHER, ZERO, SIPHER	صفر، رمز، پیام رمز، کلید رمز، رقم
CYPHER, CIPHER, ZERO, SIPHER	صفر، رمز، پیام رمز، کلید رمز، رقم
SOFA	صُفّه (عربی-فارسی)، کاناپه، نیمکت مبلی
SANDAL	صندل، دم پای
CORDOBA (SPAIN) (قرطبه (منشاء عربی کوردوبا))	طرقبه (حومه‌ی مشهد)؟
POPINJAY	طوطی، ببغا، پاپاگایو
TOQUE	طوق، تاق، روسری، شال
ABBASI	عباسی (سکه ایرانی و افغانی)
EDEN	عدن، عدن یمن، باغ عدن (کنایه از باغ بهشت)، باغی در بهشت
ARAK	عرق (نوعی مسکر) (انگلیسی، عربی، ترکی)
ISRAEEL, ISRAEL	عزرائیل، اسرائیل
ODOR	عطر، عطر
EFRIT	عفریت
HASHISH, BANG, GRASS, CANNABIS, MARIJUANA	علف، حشیش، بنگ،
ALIA, ALI (در یوگوسلاوی سابق)	علی
AUMILDAR	عملدار، تحصیلدار هندی

JESUS	عیسی، یشوع، عیشوع
GOOSE, GEESE	غاز
NOSH	غذا، غذای سبک (نوش)
NOSH UP	غذای حسابی، غذای مفصل (نوش)
ALGOS (GREEK)	غصه، درد
GHONCHA	غنچه، گونچا، خونچا، خونچه (بوسنیایی)
GHOUL	غول، روح مرده خوار، آدم سق سیاه، آدم بد نفس
A B C D	الف ب ج د (در حروف ابجد)
FEW (تعداد اندک)	فنه (عربی به معنی تعداد)
FARSI	فارسی، پارسی
FIN (ITALIAN), FINISH, FINITE	فانی، فنا، پایان
FITNA	فتنه (دوست داشتنی، جذاب، شورانگیز)
FATWA	فتوا
FATWA	فتوا
FIDAI	فدایی (عضو فدایی گروه اسماعیلیه)
PARA (PREFIX)	فرا، بالاتر، فوق (پیشوند)
EUPHRATES	فرات (یوفریتز: خوش گذر، رود قابل عبور برای قایق)
EXODUS	فرار دسته جمعی قوم، حشر، خروج دسته جمعی به منظور نجات، اخراج دسته جمعی
PARADISE	فردوس، پردیس، بهشت
FERS	فرزین، فرزانه، فارس (سواره نظام ساسانی)
ANGARIA	فرستاده ی سلطنتی، کار اجباری برای صاحب قدرت
FARSAKH	فرسنگ، فرسخ، پاره سنگ مسافت شمار (واحد متریک پارسی برابر با ۱۰ کیلومتر یا ۶.۲۱ مایل در دوران پیشتر، واحد مسافت برابر با ۶ کیلومتر)
ANGEL	فرشته
FERGHAN	فرغان، فرغانه (منطقه ای در آسیای مرکزی، قالیچه ی پارسی اکثراً پنبه ای)

FIRMAN	فرمان، حکم، جواز، مجوز
FERINGHEE	فرنگی (اروپایی، اهل فرانک یا فرانسه)
FAKIR	فقیر، درویش، روحانی سائل هندی
	فقیر، گدا (بیکار)
FAKIR	فقیر، گدای دینی مقدس هندو، درویش، زایر هندو، هندو
FLAMENCO (escapee peasant)	فلاح منجو (به عربی اندلسی: کشاورز پناهنده و فراری)
معرب "پل ورگان" (ورگان: نقطه ی تقسیم آب)	فلاورجان
PEPER	فلفل، بی بر (فلفل در گویش کرمانشانی و زبان کردی)
FINISH, FINITE, FIN	فنا، پایان
FAUJDAR	فوجدار (افسر جزء)
FAUJDARI	فوجداری (دادگاهی جنایی در هند)
ELEPHANT	فیل، الفیل
PHILISTINIC	فیلیسٹین، فیلیسٹینی، فیلیسٹینیسم (کنایه از بی ذوقی و نافر هیختگی، هنرنشناسی (انگلیسی و اروپایی))
CANON	قانون، قانون دینی، فقه، شرع
KAYAK (اسکیمو)	قایق (ترکی)
BUNDER BOAT	قایق بندری
KABBALAH	قبیلا، کاببالا، کببالا (آیین عرفانی یهود)، قواله ؟ ، قباله؟ (سند مالکیت)، قوالی؟ (در پاکستان)، قابیل؟ قبیله ؟
EGYPT, ALGIBT	قبطی، القبط، اجیبت (انگلیسی)، الجیبت، القیبت
GODS (خدایان)	قدس، روح القدس، قدس (اورشلیم)
CARAFE	قرابه، تنگ دسته دار بزرگ
KORON, CROWN, KHRONOS (CHRONOLOGY), KRAN	قران (مجاورت دو ستاره در سیر حرکت خود، به نشانه‌ی رخدادی خوش که در فاصله‌های زمانی خاصی روی می‌دهد و کسی که صاحب آن باشد یعنی همه‌ی زمان‌ها و برتری‌ها از آن اوست)، زمان (سلطان صاحب قران، صاحب الزمان)، تاج، گاه شناسی، قران (واحد اصلی پول ایران در دوران ناصرالدین شاه سلطان صاحب قران ، سکه نقره ی یک

	قرانی)، واحد پول
KERIAT (عبری)	قریه
CASPIAN	قزوین، کاسپین
KISMET (TURKISH)	قسمت، نصیب و قسمت، سرنوشت، تقدیر
QASHQAI (نوعی برند خودرو)	قشقایی
KASSAP, KASSAB (ترکی استانبولی)	قصاب
MUSULMAN, MUSLIM	قضا و قدری، آدم قضا و قدری (تلقی - قرن هجدهمی برخی غربیان از مسلمانان)
CAFTAN, KAFTAN	قفطان، خفتان (لباس بلند گشاد زنانه و کمربند دار)
CASTLE, GALA, CALA گالا (اسپانیولی، روسی، ترکی قفقازی)، کالا (رومانیایی)، گالاسی ترکی مصطلح در روسیه، کسل (انگلیسی)	قلعه، قلعت، قلا، کلنت، گلا (در مازندران)، قلعه، کلايه (در حوزه ی البرز)، کلاته (حوزه خراسان جنوبی و سیستان)، کلات (حوزه ی خراسان شمالی و مرکزی)
KALA AZAR	قلعه-آذر (نوعی بیماری انگلی طحال)
CALENDER	قلندر
QALANDAR	قلندر
CALEAN	قلیان
CANARY	قناری
CANDY	قندی، آب نبات
CHANDELIER	قندیل لوستر، چلچراغ
GABARIT	قواره، گاباری
GOURMET (خوراک شناس، شکم چران)	قورمه، قرمه
GHOROUT (یوقورت: ماست انگلیسی)	قوروت (کشک برگرفته از ماست به ترکی)، قره قوروت
COLON	قولون، کولون (بخشی از روده بزرگ)
KUMIS, QUMIS, KOUMISS	قومیس، کومیس (مسکر ساخته از شیر شتر یا اسب در آسیای مرکزی و غرب آسیا)، قومه س (سمنان در دوران اشکانی)؟؟؟؟
BEIGE	قهوه‌ای ی مایل به زرد خاکستری، کامبیز (پارچه ظریف جامه ی عید شاه)، بژ
KARAT, CARAT	قیراط
TSAR, CZAR, TZAR, CAESAR کایزر	قیصر، تزار، سزار، کسری
KABBALAH	کاببالا (نک. قبالا)

KABULI	کابلی، افغان
KARKON	کارکن
CARCOON	کارمند، کارگر دفتری
CARAVAN	کاروان
CARAVANSERAI	کاروانسرا
CARAVANSARY	کاروانسرای، کاروانسرای
KAREZ	کاریز (قنات)
CASE (ظرف یا پوشش حفاظتی)	کاسه، ظرف، جعبه، کیسه
K L M N	کاف لام میم نون (در حروف ابجد)
ALKENKENJI	کاکوناچ (گیلاس زمینی)
قالب (عربی)	کالبد
CAMBODIA	کامبیز، کمبوجیه
KEBAB (در چین و آسیای میانه)	کباب
KABOB (در چین و آسیای میانه)	کباب
KAJAWEH	کجاوه
KOHL	کحل (سرمه)
KOHL	کحل، سرمه
COUGH (انگلیسی)	کخه (سرفه در گویش های کردی و لری)
UKRAINE یوکرین، اوکراین (به روسی: او (سرزمین، در محل)، کراین (مرزی، کرانه ای، انتهای))	کران، کرانه، مرز، نهایت، انتها، پایان، (مجازاً) ساحل
KRAINE	کرانه، مرز
KURTA	کرتا (پیراهن گشاد بی یقه)
CARCASS (انگلیسی: لاشه و مردار)	کرکس (مردارخوار)
KERANA	کرنا
CASSOCK	کژاکند (کت یا پیرهن بلند گشاد حریر زنانه یا مردانه)
KUSTI	کُشتی، کُستی (کمر، ریسمان مقدس کمر بند پارسیان)

KASHMIRI	کشمیر (پارچه‌ی نفیس بافته شده از پشم گوسفند کشمیری)
KAFTAN	کفتان، خفتان
COFFIN (تابوت)	کفن
ALCOHOL (انگلیسی)	الکل، الکحل (عربی)
CASTLE	کلات (نک: قلعه)
CULGEE	کلگی (پر زینتی و جواهر نشان دستار امیران)
KINCOB	کم خواب (حریر طلا بافت یا نقره بافت)
KEMANCHA	کمانچه
CUMMERBUND	کمر بند
KNESSET	کنشت (عبادتگاه یهودیان)، کنست (مجلس در عبری)
KENAF	کنف
KOTWALEE	کوتوالی (کلانتری)
KOSHER کوشر، کاشر (خوراک و سفره‌ی پاک بهشتی، مانده در آیین یهود، هر چیز مشروع و درست و اصیل در عبری: درست و مناسب)	کوثر (صدای شین عبری در عربی به صدای سین یا ث یا ص تبدیل می‌شود: شالوم = سلام، شالامون = سلیمان)
KIOSK	کوشک (اتاقک، غرفه)، گوشه، کنج
KOFTGARI	کوفته‌گری (مرصع کاری آهن با طلا، زر کاری، فلزکاری)
KOOHINOOR	کوه نور (الماس-)
KAVE	کهف (غار-)
CASE	کیسه (نک: کاسه)
KILO	کیل، کیلو
CHEMISTRY, CHIMIE	کیمیا، شیمی
KATIRA	کتیرا
SPELL	کلمه (در اساطیر سامی)، افسون، ورد، هجّی کردن حروف کلمه، به معنی چیزی بودن، توضیح و شرح و بسط (علم و احاطه به ماهیت چیزها با دانستن اسم رمز آن‌ها و نتیجتاً تسلط بر موضوع آن‌ها)، ۱۰۰۱ اسم خدا

	در اساطیر یهود و عرفان کاببالا در یهودیت، و علم الآدم الاسماء کلها
KIOSK	کیوسک، کوشک (اتاقک، غرفه)، گوشه، کنج
COW	گاو ماده
THOR	گاو نر، ثور
GIAOUR	کبر
GATCH	گچ
GRAND	گران (بزرگ، بسیار، بسیار بزرگ)
PETROGRAD, STALINGRAD, ...	گرد (نک. جرد در دستجرد، بروجرد، دارابگرد، هشتگرد، سوسنگرد)، پتروگراد، لنینگراد، استالینگراد، نووگراد
GERDA NAAN	گرده، نان گرد، گرده نان (سین کیانگ چین و آسیای میانه)
WARM	گرم، ولرم
GROUP	گروه
	گل (دریاچه) (در آرخان گیل سنک روسیه ی قطبی)
GUL	گل (گل سرخ)
PROPHET FLOWER	گل پیغمبر
GULHINNAI	گل حنایی (نوعی نقشه ی قالی)
ROSE	گل سرخ، رز
GULMOHAR	گل مهر (نوعی سکه‌ی طلا با نقش گل)
GOLAB	گل‌آب
JULEP	گل‌آب
COOMB	گنبد (واحد ظرفیت)
GUNGE	گنج (ذخیره ی پر ارزش)
GIAOUR	گور (گبر، آتش پرست)
GHORKHAR	گورخر

ALGORITHM	الگوریتم، الخوارزمی، خوارزمی
GON (suffix)	گونه (وجه، ضلع، سطح، رخ، لب)
GUITAR, SITAR	گیتار، سه تار، سیتار (هندی)، زیتر (آلمانی)،
GITA	گیتی
GIHON	گیهون (یا معرب ان جیهون، یکی از دو رود بزرگ حوزه‌ی ورارود یا ماوراء النهر)، چشمه و نهر گیهون در دیواره‌ی جنوب شرقی "تپه‌ی معبد" بیت المقدس، نک: جیهون
LOUT	لات، اوباش
AZURE	لاجورد، لاژورد
LARIN	لاری (پول مفتولی نقره‌ای، گاهی به شکل قلاب ماهی، رایج در بخش‌هایی از آسیا و جزائر مالدیو)
LAARI	لاری (پول منسوب به شهر لار، پول مفتولی نقره‌ای، واحد جزیری پول مالدیو برابر یک صدم روفیبه، سکه‌ی یک لاری)
LAC	لاک
TULIP	لاله، دلبند
LIP	لب
LOBE	لب
CAFTAN	لباس زنانه‌ی کفتان (یا خفتان)
LABIAL	لبی
LASCAR	لشگر، لاسخار (ملوان هندی، توپچی)
CHILAMCHI	لگن بزرگ حمام
LOINCLOTH	لنگ
LEG	لنگ، ران، پا
LUNGI	لُنگی (پارچه‌ی پنبه‌ای برای انواع جامه)
LYDIAN	لوطی، اهل شهر لوط، اهل لودییه در ترکیه که داستان سپاهیان بجای گذاشته شده‌ی خشایارشا در آن شهر پراوازه است؟
LICK	لیس، لیسیدن
LOOFA	لیف (میوه درختی هندی که بعنوان اسفنج شستشو بکار

	(مي رود.)
LOAFA	لُيف (ميوه درختي هندي كه بعنوان اسفنج شستشو بكار مي رود.)
LILI	ليلا، ليلي
LIME, LEMON	ليمو
LEMON	ليمو
LIVRE	ليور (با سكون واو، بر وزن سيبيل) (واحد پول در فرانسه ي قديم)
MATE	مات، مَيّت (در چك ميت يا شاه مات)
MOTHER, METRO (يوناني)	مادر
MAMA (INCA GODDESS)	مادر (ماما، الهه ي اينكا)
NANA	مادر بزرگ، نانا (چيني)
METROPOLIS, METROPOLITAN	مادر شهر، ام القري، بلد كبيره
METROPOLIS	مادر شهر، ام القراء
MARKHOR	مارخور (بز وحشي افغان و هندي)
YOGHOURT	ماست، يوغورت (تركي- مغولي)
MALGUZAR	مال گزار (موجر)
MELANCHOLY	ماليخوليا
MAMA (INCA GODDESS)	ماما (مادر، الهه ي اينكا)
MAMAN	مامان (مادر)
MANICHEAN	ماني گرا، مانوي
MARRY	مبارك
DRAGOMAN	مترجم، ترجمان، ترجمه
TALE	مثل
MAGIC, MAJESTY	مجوس (منسوب به-)، مغ (جادوگر، ساحر)، فره مند
MAGI	مجوس، مغ
MAGUS	مجوس، مغ
MARDANA	مردانه (بيروني خانه)
MORTUARY	مرده خانه، سرداب مرگ خانه
MORTAL	مرده، مردن، موردن، موجود مردني، بشر فاني، موجود فاني،
مورتال، مورتاليتي، مورته	
MORGUE	مرگ خانه، سرداب مرده خانه، سردخانه ي بیمارستان

مَرُو (گلابی در تداول کردی، زاگرسی)	امرود (فارسی قدیم)
مُری (سنگ ساچمه ای شفاف نیمه جواهر برای ساخت ظروف)	MURRA
مریم	MARY
مزارعون (کشاورزان)	MEZEREON
مزدک (اصلاح‌گر دین زردشت)	MAZDAK
مزدکی	MAZDAKITE
مزدور (کارگر)	MAZDOOR
مَزَه (همراه نوشابه‌ی سنگین و تلخ‌وش)	MEZZEH (ترکی، عربی، عبری، یونانی، ایتالیایی، انگلیسی)
مَس (لمس کردن به عربی)، مسح، نوازش، مالش، لمس، مراسم عشاء ربانی	MASS (عشاء ربانی)، MASSAGE (مالش)، MASSIAH (منجی موعود، مسیح که با لمس کردن شفا می داد)
مست (فیل -)، مهاجم خشم‌آگین	MUSTH
مسك، مشك، ريمل	MASCARA
مسلمان	MUSLIM, MUSULMAN
مسیح	MESSIAH
مُشک، عطر آهوی مشک، آهوی ختن، مسک	MUSK
مغ، مجوس، مجوس (منسوب به-)، مغ (جادوگر، ساحر)، فرهمند	MAGI, MAGUS, MAJIC, MAJESTY
مغول (سلسله ی پادشاهی ی هندي)	MOGUL
مکه، مکّ با m کوچک (کانون شعر و هنر، کعبه ی آمال، قبله ی حاجات، مکان مورد توجه همگان)	mecca
مُلا	MOLLAH, MULLAH
ملیله (از تفتان، تابیدن، پیچاندن)	TAPESTRY
منّ (غذایی بهشتی در اساطیر سامی)، به عربی: شیره ی پر ارزش درخت گز	MANNA
موبد	MOBED
موجود افسانه ای با سر آدم شاخ‌دار، تن شیر و دم اژدها	MANTICORE

	یاعقرب
MOSHE (عبری)	موسی
MOUSE	موش، موش‌واره
MUMMY	مومیایی، جنازه مومیایی شده، مادر
MEHTAR	مهتر
MOHUR	مُهر (سکه ی طلا)
MITHRAISM	مهرپرستی، میترائیسم
MEHMANDAR	مهمان‌دار
MITHRA	میترا، مطهره (الهه ی پارسی)
MITHRAEUM	میتزایی (منسوب به مطهره، الهه ی نور و حقیقت پارسی)
MITHRAISM	میتزایی‌گری
MIRZA	میرزا (امیرزاده)
MICHEAL	میکائیل
	میشل، میشله، میکله، مایکل، مایک، میکی، میگل، میخائیل
NAKHUDA	ناخدا، کاپیتان
NARGIL	نارگیل
ORANGE	نارنج، نارنگی، ترنج
NAME	نام
NAAN (in India)	نان (در فارس زبانان، و در سین کیانگ چین)
NAVY	ناو
NARSISSUS	نرجس، نرگس
NARSISSUS	نرگس، نرجس
NAGHME (عبری)	نغمه
NAPHTA	نفتا، نفت
NEFTGIL	نفتگل، گل نفتی، گل نفتا
NAG (انگلیسی)	نق زدن

NOUGHT	نقطه، صفر، هیچ
NAMAZ (در بنگلادش، ترکستان و آسیای مرکزی؟)	نماز
NUMDAH	نمد
NANNY (ANNA روسی و ترکی)	ننه، آنا (ترکی)، دایه، پرستار بچه
NUN	ننه، دایه، خواهر مقدس، راهبه؟
NANA	ننه، مادر بزرگ (به ایتالیایی)
NEW	نو
NOAH	نوح
NOOR	نور
NURISTANI	نورستانی (اهل کافرستان بودایی شمال افغانستان قدیم)
NOUVEAUX RICHE	نورسیده (نو و ریش)، نو کیسه
NOWROOZ, NAURUZ	نوروز
NOSTRUM	نوشدارو، علاج
NUGHET	نوقا (شیرینی تبریزی)، (بزبان وانجی در برخی ایالات تانزانیا و مصطلح در اروپا)، شیرینی ی بادام دار؟
NOUVEAUX RICHE	نوکیسه (نو و ریش)، نورسیده
NEPHEW	نوه؟ پسر برادر، پسر خواهر، پسر برادر زن و خواهر شوهر
NO	نه
NINE	نه
NAY	نی، نای
NASTIKA (سانسکریت)	نیستی
LILAC	نیلک، نیلی
DEMITASSE	نیم تشت (نیم فنجان، فنجان کوچک)
CASH	وزنه ی توزین طلا و نقره، واحد ارزش، همتراز یک سکه، نقدینه
VIZIER	وزیر
VICEROY	وزیر، نایب السلطنه
VESSEL	وسیله (-ی حمل)

WARM	ولرم، گرم
VISPERED	ویسپرد (متن تکمیلی مقدس اوستایی)
WELL (چاه در انگلیسی)	ویل (نام چاه بی پایان جهنم در قرآن)
ACHAEMENID, ACHIMENED	هخامنشی
ASSASSIN (هراس افکنی، ترور)	هراس افکنی، حشاشین (پیروان حسن صباح، متهم به ترور)
HIRCARRAH	هرکاره (ابزار یا آدم هرکاره، آچار فرانسه)
ASTICA (سانسکریت), IS (انگلیسی)	هست، است
ASTIKA (سانسکریت)	هستی
EIGHT	هشت (اَشت، ایت)
PEACH	هلو، پرسیکوم، سیب پارسی
HOMA	هما (درخت مقدس میان رودانی. اوستایی، نقش و الگوی این درخت در بافته های پارسی)
HOMOGENOUS	همگون، همگون
HINDU	هندو
HINDUSTAN	هندوستان
HINDI	هندی
HOWDAH	هودج، کجاوه
RELIC (RELIGION)	یادگار مقدس، شیئی مقدس (دین)
YARAK	یارکی، یارگی (توان، قدرت، پرواز خوب)
JASMINE	یاس، یاسمن
ALSPETH	الیزابت، السبت، الیسابات (سبت، روز شنبه‌ی مقدس یهودیان)
JASPER	یشپ (سنگ یشم)
YASHT	یشت (در متون اوستایی)
JACOB ژاکوب (فرانسه)، جی کب (انگلیسی)، یعقوب (عبری)، یاکوب (روسی)	یعقوب

YEK (در کولی های رومانی)	یک
JOHN	یوحنا
JOSEPH ژوزف، ژوزفین، ژوزفینا، جوزپه، جوزف، یوزف، خوزه، جی ساپ، ژوزه، ژوزوئه	یوسف
YOKE	یوغ
YUGOSLAVIA	یوگوسلاویه (یوغ + اسلاو : برده ی زنجیری؟!) (اِس لِ یو انگلیسی # اسلاو)

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.